

تبیین نقش عوامل ژئوپلیتیکی بر سیاست خارجی عمان

محسن بیوک* - دکترای تخصصی جغرافیای سیاسی، استادیار دانشگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیای ارتش
محمد اکرمی‌نیا- دکترای تخصصی مدیریت استراتژیک، استادیار دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۱۷

چکیده

دولت‌ها، به تبع نیازهای داخلی، موقعیت ژئوپلیتیکی، و نیز تحت تأثیر ساختار و عملکرد نظام بین‌المللی، جهت‌گیری‌ها و استراتژی‌های خاصی را به‌منظور تأمین هدف‌ها و منافع ملی خویش برمی‌گزینند. کشور عمان از نظر ژئوپلیتیکی در منطقه‌ای متشنج همراه با خصومت‌های سیاسی و تنش‌های خونین احاطه شده و سیاست خارجی آن متفاوت‌تر از سایر کشورهاست. این کشور در چارچوب سیاست بی‌طرفی مثبت با حفظ روابط حسنه با قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در کاهش تنش بین کشورهای عربی و غیرعربی مؤثر بوده و در تعاملات خود توانسته بین منافع متعارض همسایگان و قدرت‌های تأثیرگذار توازن ایجاد کند. سؤال اصلی مقاله این است که چه عوامل ژئوپلیتیکی بر سیاست خارجی عمان تأثیر گذارند؟ هدف آن است که با ارائه چارچوبی از الگوی رفتاری عمان در سطح منطقه و بین‌الملل نقش عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر سیاست خارجی عمان تبیین شود. در پاسخ به پرسش اصلی مفروض نویسندگان این است که موقعیت جغرافیایی و واقع شدن عمان در جنوب تنگه هرمز، قرارگرفتن در کانون استراتژی قدرت‌های بحری و بری، سواحل طولانی و بنادر استراتژیک؛ میانه‌روی، اعتدال، دوری از افراط‌گرایی مذهبی، رابطه مسالمت‌آمیز همراه با تسامح و تساهل برگرفته از مذهب اباضیه؛ ژئوپلیتیک مرز، دوپارگی قلمرو عمان و تنگناهای امنیتی ناشی از آن؛ کمبود انرژی، منابع نفتی محدود و رو به اتمام و هزینه بالای استخراج آن؛ کمبود جمعیت و ضعف قدرت نظامی و نیاز به کارشناسان و مستشاران نظامی خارجی و متکی به قدرت‌های غربی بر الگوی رفتاری و نوع سیاست خارجی عمان تأثیرگذار است. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای انجام شده و برای تبیین سیاست خارجی عمان از نظریه بی‌طرفی مثبت استفاده شده است.

کلیدواژه‌ها: بی‌طرفی مثبت، خاورمیانه، ژئوپلیتیک، سیاست خارجی، عمان.

مقدمه

سیاست خارجی کشورها نشان‌دهنده اهدافی است که دولت‌ها در عرصه خارجی در پی دستیابی به آن‌اند. اهداف و منافع ملی کشورها در فرایند تصمیم‌گیری و بر اساس ارزش‌ها و باورهای ملی و درک تصمیم‌گیرندگان از آن‌ها تعیین می‌شود و ابزارها و امکانات برای تأمین آن‌ها مدنظر قرار می‌گیرد (یزدان‌فام، ۱۳۸۷: ۲۴۷). کارشناسان مسائل بین‌المللی سیاست خارجی را نتیجه کنش متقابل عوامل داخلی و خارجی و مهم‌ترین هدف سیاست خارجی هر کشور را تأمین منافع ملی آن کشور می‌دانند و بر آن‌اند که نخستین وظیفه طراح سیاست خارجی مشخص کردن راه‌های رسیدن به منافع ملی کشور در صحنه بین‌المللی است (ازغندی، ۱۳۸۶: ۱۲).

دولت‌ها در عرصه سیاست خارجی تحت تأثیر مختصات ساختارهای خویش و نیز کیفیت ساختار نظم منطقه‌ای و بین‌المللی از الگوهای رفتاری خاصی پیروی می‌کنند و به تبع نیازهای داخلی، موقعیت جغرافیایی، و ژئوپلیتیکی و نیز تحت تأثیر ساختار و عملکرد نظام بین‌المللی جهت‌گیری‌ها و استراتژی‌های خاصی را به‌منظور تأمین هدف‌ها و منافع ملی خویش برمی‌گزینند (قوام، ۱۳۷۸: ۱۴۶).

خاورمیانه یکی از مناطق ژئوپلیتیکی جهان است که همواره کانون حوادث و بحران‌های خونین و مؤثری بوده است. مجموعه‌ای از عوامل گوناگون نظیر بافتار نظام بین‌الملل، مناسبات تاریخی و ملاحظات جغرافیایی کشورهای منطقه، و نیز درک و برنامه رهبان منطقه از ماهیت و منابع قدرت سبب شده تا خاورمیانه موقعیتی بین‌المللی و ساختاری متزلزل داشته باشد (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۱۱). به همین دلیل، انواعی از جهت‌گیری‌ها و استراتژی‌های دولت‌ها از جمله عدم تعهد^۱، اتحاد و ائتلاف^۲، و بی‌طرفی^۳ را می‌توان مشاهده کرد.

در بین کشورهای خاورمیانه، سیاست خارجی کشور عمان متفاوت‌تر از سایر کشورهاست. با توجه به الگوی رفتاری عمان در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی، به‌نظر می‌رسد این کشور تحت تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی متعددی سیاست خارجی مبتنی بر بی‌طرفی مثبت^۴ را اتخاذ کرده است. این مقاله درصدد پاسخ به این سؤال است که چه عوامل ژئوپلیتیکی باعث شده تا کشور عمان سیاست خارجی بی‌طرفی مثبت را اتخاذ کند؟ هدف اصلی نگارندگان این مقاله این است که با ارائه چارچوبی از الگوی رفتاری عمان در سطح منطقه خاورمیانه و بین‌الملل نقش عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر سیاست خارجی عمان را تبیین نمایند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد عوامل ژئوپلیتیکی متعددی از جمله مذهب اباضیه، موقعیت جغرافیایی، ژئوپلیتیک مرز، ضعف نیروهای نظامی، کمبود جمعیت و منابع انرژی، و نیاز به سرمایه‌گذاری خارجی بر اتخاذ سیاست خارجی عمان مبتنی بر بی‌طرفی مثبت تأثیر گذارند.

مبانی نظری

ژئوپلیتیک و سیاست خارجی

هدف سیاست خارجی دست‌یابی به اهداف ملی مورد تعقیب در نظام جهانی و ابزارهای نیل به آن‌هاست. از آنجاکه تعقیب منافع و اهداف ملی در نظام جهانی متضمن ایجاد ارتباط و تعامل با دیگر کشورهاست، سیاست خارجی تعیین‌کننده شیوه تعامل واحدهای سیاسی با همدیگر است (کراب و همکاران، ۲۰۰۰: ۶۵). یکی از متغیرهای تأثیرگذار در شکل‌گیری خط مشی سیاست خارجی کشورها ویژگی‌های ژئوپلیتیک آن‌هاست. به عبارت دیگر، سیاست خارجی، به‌عنوان یک متغیر وابسته، تا اندازه زیادی متأثر از محدودیت‌های ژئوپلیتیک است.

1. Non Alignment
2. Alliance and Coalition
3. Neutrality
4. Positive Neutrality

از این رو، روابط و کنش‌های سیاسی دولت‌ها در عرصه جهانی تابعی از راهبرد و موقعیت ژئوپلیتیک آن‌ها و نیز ساختار نظام‌های ژئوپلیتیکی است. در نتیجه، همبستگی و هماهنگی بالایی میان ژئوپلیتیک و الگوی رفتار سیاست خارجی دولت‌ها برقرار است و بر اساس آن راهبردهای ژئوپلیتیکی طراحی و عملیاتی می‌شوند تا به ساختار روابط ژئوپلیتیکی جهت و معنا بخشند (کاوایی‌راد و بویه، ۱۳۹۱: ۱۱۷).

تحقیق در رابطه بین جغرافیا و قدرت سیاسی ملل از زمان یونانیان باستان، یعنی از حدود ۲۰۰۰ سال پیش، انجام می‌گرفته است. ارسطو، استرابو، و دیگر دانشمندان درباره ارتباط بین محیط طبیعی و قدرت سیاسی دولت‌ها مطالبی اظهار کرده‌اند؛ اما مطالعه جدیدتر رابطه بین ژئوپلیتیک و سیاست خارجی به شکل جدید آن از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم شروع شد. در این دوره برخی صاحب‌نظران، از جمله مکیندر و هاوس هوفر، بر آن بودند که موقعیت جغرافیایی یک کشور تمام سیاست خارجی آن کشور را شکل می‌دهد. مورگنتا، از محققان روابط بین‌الملل، بیشتر به دائمی بودن عامل ژئوپلیتیک توجه می‌کند و بر آن است که از پایدارترین عواملی که قدرت یک کشور بر آن مبتنی است موقعیت جغرافیایی آن است (جعفری ولدانی و حق‌شناس کاشانی، ۱۳۷۰: ۳۰).

بر همین اساس، می‌توان یک جهت‌گیری مشخص را در تاریخ سیاست خارجی کشورها تعقیب کرد؛ چنان که سیاست خارجی انگلیس و ملاحظات امنیتی این کشور بر این مبنا شکل گرفته است که از اتحاد سرزمین‌های مجاور سواحل خود (ایرلند) تحت یک قدرت واحد جلوگیری کند. در فرانسه نیز همیشه از رودخانه راین به‌عنوان مرز شمالی دفاع شده است. همچنین، در سیاست خارجی روسیه کنترل آبراه‌های دریای سیاه و دسترسی به آب‌های گرم جنوب همیشه مدنظر بوده است (کاظمی، ۱۳۷۰: ۴۰) و یا اینکه کشورهایی که در مرز گسل بین قدرت بری (شرق) و بحری (غرب) قرار دارند تحولات سیاست داخلی این کشورها نیز از مداخلات قدرت‌های بزرگ در امان نبوده است؛ کما اینکه ایران و اوکراین از فشارهای دو قدرت بری و بحری با چالش‌های اساسی روبه‌رو بوده‌اند. به‌رغم پیشرفت‌های شگرف علمی و فنی، وجود ماهواره‌ها، موشک‌های قاره‌پیما و سلاح‌های هوشمند، توجه به ویژگی‌های ژئوپلیتیک کشورها باعث خواهد شد سیاستمداران در اتخاذ خط مشی‌های سیاسی و بین‌المللی از واقع‌بینی لازم برخوردار شوند و اهداف و منافع خود را متناسب با ظرفیت اقدامشان تعقیب کنند. واقعیت ژئوپلیتیک ناشی از تأثیر و تأثر مؤلفه‌های متعددی است که شکل‌دهنده سیاست قدرت و امنیت هر کشور در ارتباط با دیگر واحدهای نظام بین‌الملل است. در این راستا شاخص‌های گسست و پیوند در سیاست خارجی کشورها وابستگی عمیق و قابل توجهی به ویژگی‌ها و مختصات ژئوپلیتیک یک کشور دارد. شکل‌گیری همگرایی و ایجاد شرایط تعامل در مجموعه‌ای از رفتارهای زمانی و مکانی مستلزم طراحی و اجرای سیاست خارجی بر مبنای ژئوپلیتیک است. آنچه گزینه‌های سیاست داخلی و خارجی دولت را در مسیر دستیابی به منافع ملی و فراملی تعیین می‌کند عوامل و متغیرهای ژئوپلیتیک است (مدل ۱).

بی‌طرفی مثبت

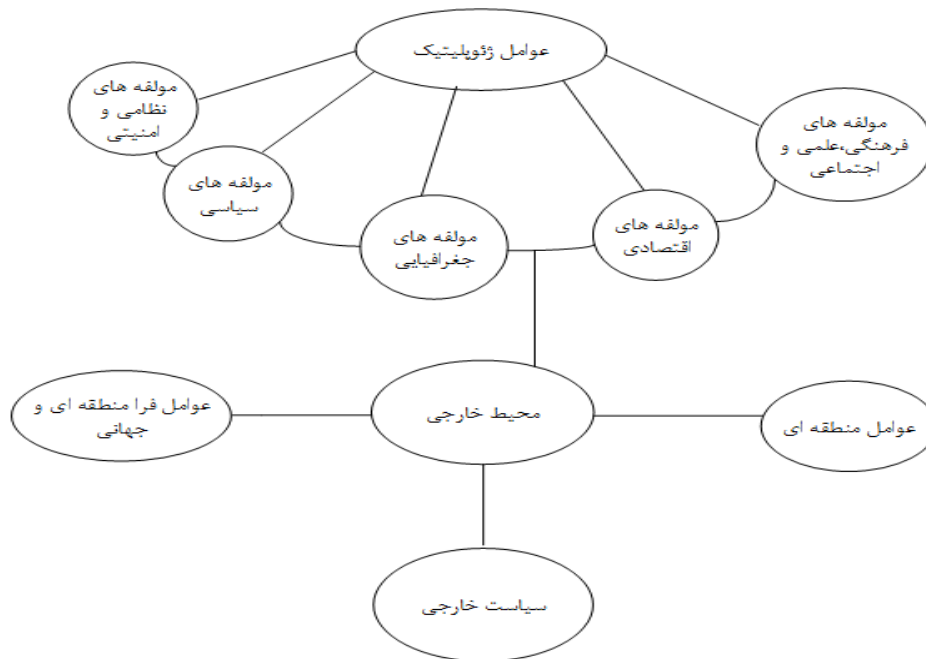
استراتژی بی‌طرفی در سیاست خارجی کشورها از زمان‌های گذشته وجود داشته و در تاریخ تمدن بشری سابقه جهت‌گیری بی‌طرفی به قدمت جنگ است؛ چنان که در قدیمی‌ترین و معتبرترین تاریخ تمدن یعنی جنگ‌های یونانیان توسیدید^۱ چند نمونه از این سیاست را تشریح می‌کند. آثار اولیه در مورد بی‌طرفی در کتاب *تاریخ جنگ‌های پلوپونزی*^۲، که توسیدید به نگارش درآورده، دیده می‌شود. همچنین، ماکیاولی^۳ در کتاب *شهریار*^۴ مطالبی درباره بی‌طرفی بیان کرده است (رولنک، ۲۰۰۸: ۱۲).

1. thucydides

2. The history of the Peloponnesian war

3. Machiavelli

4. The Prince



مدل ۱. (منبع: نویسندگان)

واژه بی‌طرفی در اروپا از قرن پانزدهم میلادی معمول شد؛ اما قدمت بحث در موضوع بی‌طرفی به صورت مدرن و طبقه‌بندی‌شده در مباحث حقوق بین‌الملل به قرن شانزدهم و هفدهم میلادی بازمی‌گردد. از نظر حقوقی نیز، هوگو گروسیوس^۱ در کتاب حق جنگ و صلح^۲ از حقوق بی‌طرفی یاد می‌کند و ایده خود پیرامون بی‌طرفی را به نظریه حق جنگ می‌افزاید. او در سال ۱۶۲۵ بیان می‌کند که ملل بی‌طرف نباید کاری کنند که آغازگر جنگ باطل را ترغیب یا آغازگر جنگ حق را مانع شوند. اگر حق در محل جنگ مورد تردید است، باید نسبت به دو دشمن رفتاری برابر داشته باشند (آنبهوس، ۲۰۱۴: ۱-۲).

سیاست بی‌طرفی یک استراتژی در سیاست خارجی است که یک دولت تمام تلاش خود را به عمل می‌آورد تا در درگیری‌های سیاسی و مخاصمات مسلحانه بی‌طرف باقی بماند. مطابق با دایرةالمعارف بریتانیکا^۳، بی‌طرفی به یک وضعیت حقوقی اطلاق می‌شود که یک دولت از مشارکت در جنگ بین دول دیگر خودداری می‌کند (باست، ۲۰۱۲: ۶). بی‌طرفی به اشکال گوناگونی از جمله بی‌طرفی حقوقی، سنتی، موقت، دائمی، مثبت، و منفعل (منفی) تقسیم می‌شود (قوام، ۱۳۷۸: ۱۵۸). در استراتژی بی‌طرفی مثبت، کشورها، ضمن آنکه از ورود در مناقشات و درگیری‌های بین‌المللی خودداری می‌کنند، در عین حال، نقش فعالی در جهت حل مناقشات بین‌المللی و برقراری روابط دوجانبه و چندجانبه با اهداف غیرامنیتی ایفا می‌کنند (هتمنچوک، ۲۰۱۲: ۱۲-۱۳).

اما هنگامی که یک دولت بی‌طرفی منفی^۴ را اتخاذ می‌کند دارای نقش انفعالی در صحنه سیاست بین‌الملل است؛ به طوری که نه تنها در ترتیبات سیاسی-امنیتی مشارکت نمی‌کند، بلکه آثار نامطلوب بی‌طرفی منفی بر منافع اقتصادی آن نیز تأثیر می‌گذارد (دریر و جسی، ۲۰۱۴: ۷۹).

1. Hugo Grotius
2. The rights of war and peace
3. Britannica Encyclopedia
4. Negative neutrality

در مقابل، پیرامون پیامدهای اقتصادی بی‌طرفی فعال (مثبت) باید اذعان کرد که این استراتژی می‌تواند با کاهش هزینه‌های نظامی، عدم درگیری با سایر دول، و ترغیب سرمایه‌گذاران خارجی زمینه‌شکوفايي اقتصادی یک کشور را مهیا کند (پانچود، ۲۰۰۹: ۱۰۹).

روش پژوهش

روش‌شناسی حاکم بر پژوهش ماهیت توصیفی-تحلیلی و رویکرد جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک دارد که در کلیت خود گواه بر کنش متقابل سیاست و جغرافیاست. این کنش متقابل ناظر بر درهم‌تنیدگی قدرت، سیاست، و خطمشی با مکان، فضا، و سرزمین است (بلاکسل، ۱۳۸۹: ۴-۵).

فنون گردآوری و تحلیل اطلاعات با توجه به نوع تحقیق بر اساس روش کتابخانه‌ای و اسنادی و با بهره‌جستن از آثار معتبر و مهم داخلی و خارجی مکتوب (اعم از کتاب، مقاله، گزارش، و ...) و الکترونیک (سایت‌های اینترنتی و مقالات الکترونیک) انجام شده تا نشان دهد مؤلفه‌های (ثابت و متغیر) ژئوپلیتیکی در شکل‌گیری نوع الگوی رفتاری و خارجی کشور عمان نقش‌آفرین بوده‌اند. فرضیه پژوهش بیانگر این است که موقعیت جغرافیایی، مذهب اباضیه، ضعف نیروهای نظامی، ژئوپلیتیک مرز، کمبود جمعیت، و کمبود انرژی و نیاز به سرمایه‌گذاری خارجی بر اتخاذ سیاست خارجی عمان مبتنی بر بی‌طرفی مثبت تأثیرگذارند.

سیاست خارجی و الگوی رفتاری عمان

در طول چهار دهه اخیر، سلطنت عمان سیاست خارجی منحصربه‌فردی به‌کار گرفته است. این سیاست از جولای ۱۹۷۰ پس از کودتای سلطان قابوس و به‌دست‌گیری قدرت توسط او آغاز شد. او به‌سرعت به سمت توسعه اقتصادی عمان رفت و دست به اقداماتی اصلاحی در حوزه‌های اجتماعی، آموزش و پرورش، سیاسی و سیاست خارجی و فرهنگی زد که به رنسانس عمان شهرت یافته‌اند (لفور، ۲۰۱۰).

سیاست خارجی عمان را می‌توان دارای چند ویژگی و مؤلفه خاص دانست که عبارت‌اند از: گرایش پایدار به ملاحظات ژئوپلیتیکی در عین اولویت‌بخشی به حفظ روابط خوب؛ پرهیز از ورود به تقسیم‌بندی‌های ایدئولوژیک (به جهت ویژگی‌های خاص مذهبی عمان)؛ تلاش برای ایجاد اجماع و همکاری در موضوعات مختلف؛ تأکید بر تسامح و تحمل جهت رسومات و اعمال و رفتار نیروهای خارجی در منطقه (جونز و رایدوت، ۲۰۱۲: ۱۵۷).

روابط ایران و عمان

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در استقرار و ثبات پادشاهی عمان و حاکمیت سرزمینی این کشور نقش مهمی داشته است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، عمان همواره روابط مثبتی با ایران داشته و این حسن ظن در رابطه دوطرفه همچنان ادامه دارد. پادشاهی عمان نقشی کاملاً مثبت در مسئله هسته‌ای ایران ایفا کرد و تلاش نمود با ایفای نوعی نقش رابط بین ایران و کشورهای ۵+۱ سطح اختلاف دو طرف را کاهش دهد و زمینه‌های توافق را فراهم کند. این کشور در چهار دهه گذشته در جلوگیری از تهدیدهای خارجی، ایجاد تحریم‌های جدید، و گسترش دامنه فشارها علیه ایران نقش مثبتی داشته است. پادشاهی عمان، برخلاف عربستان و برخی کشورهای حوزه شورای همکاری خلیج فارس، که مایل‌اند ایران جایگاه خود را در منطقه از دست دهد و تضعیف شود، مایل به چنین وضعیتی نیست و قدرتمندبودن ایران را به‌نوعی ایجاد توازن و تعادل در منطقه تعبیر می‌کند که به نفع همه کشورهای منطقه است (مظاهری، ۱۳۹۵). از

طرفی، تهران و مسقط^۱ به این واقعیت آگاه‌اند که هر چه تغییر کند عامل جغرافیایی تغییر نمی‌کند. نزدیکی جغرافیایی ایران و عمان در تنگه هرمز، دورافتادگی جغرافیایی عمان از جهان عرب، و اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی تنگه هرمز ایران و عمان را به داشتن روابط حسنه با یکدیگر ملزم کرده است (نطاق پورنوری و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۰). علاوه بر آن، بافت جمعیتی این کشور، به‌خصوص جمعیت حدود ۵ درصدی شیعه، که قدرت و ثروت زیادی دارند، به همراه بلوچی‌ها یا همان بلوچی‌ها که سال‌های پیش از ایران به عمان سفر کرده‌اند، عملاً وضعیتی ایجاد کرده که دولت عمان نتواند روابط خود را با ایران متلاطم کند. اگر این مسئله را در کنار نفوذ وهابیت در جمعیت اهل سنت عمان تحلیل کنیم، اهمیت خود را بیشتر نشان می‌دهد (عابدی، ۱۳۹۸).

عمان با داشتن بنادر مهمی همچون بندر ترانزیتی صلاله^۲ به‌عنوان یکی از یازده بندر بزرگ دنیا و همسایگی با اقیانوس هند از یک طرف و قرارگرفتن ایران در کریدور شمال-جنوب و عبور بزرگراه آسیایی از سرزمین جمهوری اسلامی ایران از طرف دیگر باعث شده تا زمینه‌های همکاری جدیدی در توسعه روابط دوجانبه و منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد شود (عزتی، ۱۳۸۰: ۵۸).

روابط عمان با شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب

کشور عمان جزو شورای همکاری خلیج فارس است؛ اما از زمانی که این شورا در سال ۱۹۸۱ شکل گرفت، تلاش کرده که از هرگونه افراط و تفریط در حوزه سیاست خارجی، به‌ویژه در چارچوب این شورا، اجتناب کند. درواقع، یکی از شروط پادشاهی عمان برای ورود به شورای همکاری خلیج فارس حفظ بی‌طرفی و عدم ورود به بحران‌ها و مناقشات عربی-عربی و اختلافات و گروه‌بندی‌های عربی-ایرانی بوده است. بر این مبنای، این کشور تلاش کرده تا اصل بی‌طرفی را در منازعات و اختلافات منطقه‌ای حفظ و شرایط را به‌گونه‌ای فراهم کند تا ارتباطات خود را با کشورهای مختلف، به‌ویژه ایران، گسترش دهد. حفظ روابط مستحکم با جمهوری اسلامی ایران، عدم مداخله سیاسی، نظامی، و مالی در بحران‌های سوریه و یمن، و نیز عدم استفاده ابزاری از ایدئولوژی در عرصه سیاست خارجی از مهم‌ترین تفاوت‌های عمان با سایر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس است (مظاهری، ۱۳۹۵).

این کشور اگرچه از اعضای مهم شورا است، درعین‌حال، از شیوه سیاسی مختص به خود پیروی می‌کند و در عین تأیید بسیاری از مواضع جمعی شورا در خصوص مسائل مختلف تک‌روی و استقلال رأی خود را بیشتر از سایر اعضا حفظ کرده است. عمان شورای همکاری خلیج فارس را از آن جهت مهم می‌داند که در قالب این همکاری بتواند علاوه بر مشکلات بیرونی از اعمال تجاوزکارانه عربستان جلوگیری کند. عمانی‌ها به‌خوبی از تاریخ دست‌اندازی عربستان به کشورهای همسایه خود مطلع‌اند و به همین دلیل از بالانس قدرت به نفع عربستان خشنود نخواهند بود. پادشاهی عمان به موضع‌گیری نسبت به آینده همگرایی در چارچوب شورای همکاری خلیج فارس نگاه متفاوتی دارد؛ یعنی از یک سو در مسائل اقتصادی در چارچوب شورای همکاری خلیج فارس همکاری عالی کرده؛ اما از سوی دیگر در سیاست‌های خارجی و اختلافات بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس وارد نشده و تلاش کرده تا با برعهده‌گرفتن نقش چکش تعادل در شورای همکاری خلیج فارس نقش ایفا کند (عابدی، ۱۳۹۸).

پادشاهی عمان همواره تلاش کرده تا در مسائل و اختلافات مذهبی منطقه وارد نشود و سیاست خارجی خود را به دور از جریان‌سازی‌های مذهبی و سیاسی حفظ کند و درعین‌حال ارتباط خوبی با همه کشورهای جهان عرب و اسلام داشته باشد. موضع‌گیری‌های اخیر اتحادیه عرب در خصوص برخی موضوعات همچون یمن، سوریه، لیبی، و

1. Muscat
2. Salalah

خصوصیت‌های شدید آن نسبت به جمهوری اسلامی ایران سبب شده تا عمان از این اتحادیه فاصله بگیرد و به انتقاد از آن بپردازد؛ هرچند مشی میانه‌رو و واقع‌گرای سلطان قابوس مانع قطع رابطه عمان با این اتحادیه شده و مشاوره و رایزنی با کشورهای عضو آن پیرامون مسائل منطقه همواره در جریان بوده است. عمان به انقلاب‌های کشورهای عربی یا بیداری اسلامی نگاه ویژه‌ای داشته و بر آن است که انقلاب‌ها و خیزش‌های اسلامی نتیجه بی‌توجهی به خواسته‌های مردمی در درون این کشورها در طول چند دهه بوده است. باوجوداین، ضمن عدم دخالت تلاش کرده است تا به آرای مردم و خواست مشروع آن‌ها احترام بگذارد و نحوه مقابله با این بحران‌ها را بیشتر به حکومت‌های قانونی آن‌ها واگذار کند. با توجه به دگرگونی‌های ایجادشده در بسیاری از کشورهای منطقه، هیچ‌گونه تغییری در سیاست پادشاهی عمان در مورد نظام‌های جدید عربی ایجاد نشده است. در بحران‌های منطقه‌ای عراق، سوریه، و یمن نیز، به‌رغم اینکه بسیاری از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به مرز مداخله‌جویانه‌ای در این بحران‌ها وارد شده‌اند، سیاست سلطان قابوس مبتنی بر به‌کارگیری ابزارهایی بوده که موردقبول همه طرف‌های درگیر در این بحران‌ها باشد. در نتیجه این کشور از دخالت در آن‌ها خودداری کرده و فقط تلاش‌هایی دیپلماتیک با هدف دست‌یابی به راه‌حلی مسالمت‌آمیز در این کشورها انجام داده است (مظاهری، ۱۳۹۵).

به‌نظر می‌رسد در تحلیل روابط عمان با شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب عوامل ژئوپلیتیکی متعددی نقش برجسته‌ای دارند. مشکلات مرزی عمان با امارات متحده عربی، یمن، و عربستان و آگاهی از مطامع و اعمال تجاوزکارانه دولت سعودی در شبه‌جزیره عربستان، اختلافات ریشه‌ای مذهبی و هابیت با اباضیه عمان، دویارگی و دویخش‌بودن سرزمین عمان که توسط امارات متحده عربی احاطه شده و نیاز به سرمایه‌گذاری و انرژی همسایگان به‌ویژه قطر باعث شده که کشور عمان، به‌رغم عضویت در شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب، ضمن تأیید بسیاری از مواضع جمعی آن‌ها، در مسائل مختلف استقلال رأی خود را حفظ نماید.

روابط عمان با ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا

سیاست سلطان قابوس همواره به ایفای نقش به‌عنوان هم‌پیمانی مورد اعتماد برای آمریکا، اتحادیه اروپا، و سایر کشورهای غربی پرداخته و روابط سیاسی، اقتصادی، و تجاری خود را با آن‌ها حفظ کرده است. عمان، به‌عنوان یکی از متحدان نزدیک غرب، همواره به نیروی دریایی غرب برای حفظ منافع امنیتی خود متکی بوده و در این حوزه نگاه مقامات عمان به حضور نظامی آمریکا در منطقه و نقش آن با نگاه ایران متفاوت است. امروزه، روابط بین آمریکا و عمان گسترده است. تنها توافق دوجانبه تجارت آزاد عمان با ایالات متحده است. روابط نظامی نزدیکی بین دو کشور برقرار است. آمریکا می‌تواند از فرودگاه‌های نظامی مسقط، ثمریت^۱، و جزیره مصیره^۲ استفاده کند. به دلایل تاریخی، عمان روابط بسیار نزدیکی با نزدیک‌ترین متحد آمریکا، که انگلیس است، دارد. سلطان قابوس بن سعید آل سعید پس از پدرش با کمک انگلیس و در کودتای بدون خونریزی در سال ۱۹۷۰ به سلطنت رسید. همچنین، انگلیس به عمان کمک کرد تا شورشیان ظفار را سرکوب کند. هم‌اکنون، انگلیس و آمریکا همکاری‌های بسیار نزدیکی در خلیج فارس دارند. همکاری‌های سه‌جانبه آمریکا، انگلیس، و عمان در منطقه باعث به‌وجود آمدن منافع استراتژیک برای واشنگتن شده است (کافی، ۲۰۱۸).

سلطان‌نشین عمان در اتخاذ سیاست بی‌طرفی که گاهی تأثیر منفی بر کشورهای متحد آن در منطقه داشته به ائتلافش با آمریکا تکیه داشته است؛ ولی این شرایط ظاهراً در آستانه تغییر است. سیاست سخت‌گیرانه و بی‌سابقه دونالد

1. Thumrait
2. Masirah island

ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در برابر ایران ایجاب می‌کند مسقط در گزینه‌های منطقه‌ای خود بازنگری کند. مقامات عمانی متوجه شده‌اند امریکایی‌ها این بار حاضر به امتیازدادن در خصوص ایران نیستند. این واقعیت عمان را در برابر گزینه‌های محدودی قرار می‌دهد و از قدرت مانور آن می‌کاهد. با این حال، انتظار نمی‌رود مقامات عمان از خط‌مشی دیرینه بی‌طرفی در سیاست خارجی دور شوند، بلکه گام‌هایی در چارچوب شرایط بحرانی برمی‌دارند تا طوفان فشارهای آمریکا و منطقه را پشت سر بگذارند (زارع‌زاده، ۱۳۹۷).

در حال حاضر، از نظر عمان، مخالفت‌های داخلی و بدبینی و عدم اعتماد ریشه‌دار و تاریخی این کشور نسبت به مقاصد عربستان سعودی و امارات متحده عربی منبع تهدید تلقی می‌شود. عمان از ابتدا به کشورهای خلیج فارس شک داشت که با همکاری یکدیگر بتوانند امنیت خود را حفظ کنند و اشغال کویت توسط عراق آن را تأیید کرد. عمان بر این باور است که امنیت آن تنها با حمایت کشورهای غربی، به‌ویژه آمریکا، میسر می‌شود و اکنون به یکی از مهره‌های اصلی ترتیبات استراتژیک آمریکا در خلیج فارس و اقیانوس هند تبدیل شده است (آنفان، ۱۳۷۹: ۴۰۸).

روابط عمان و اسرائیل

درست در زمانی که عمان در حال بهبود روابط خود با کشورهای عربی بود، قرارداد کمپ دیوید^۱ به تصویب رسید و عمان را وارد چالش با همسایگان عرب خود کرد. عمان، که از لحاظ جغرافیایی در حاشیه مسئله اسرائیل و فلسطین بود و قدرت چندانی برای عرض‌انداز نداشت، در هیچ‌یک از جنگ‌های میان اعراب و اسرائیل مشارکت نکرد و از قرارداد کمپ دیوید حمایت کرد و هیچ‌وقت ارتباط خودش را با مصر قطع نکرد. پس از قرارداد مادرید^۲ میان سازمان آزادی‌بخش فلسطین و اسرائیل، عمان روابط محدود تجاری، سیاسی، و نظامی خود را با اسرائیل آغاز کرد. عمان در انعقاد قرارداد مادرید نقش مهمی داشت و چندین جلسه را در این پروسه میزبانی کرد. در سال ۱۹۹۴ از بایکوت اقتصادی علیه اسرائیل خارج شد و در سال ۱۹۹۶ به‌عنوان اولین کشور حاشیه خلیج فارس از اسحاق رابین، نخست‌وزیر وقت اسرائیل، میزبانی کرد. شیمون پرز نیز در سال ۱۹۹۷ به عمان سفر کرد. با انتفاضة دوم در سال ۲۰۰۰، عمان روابط خود با اسرائیل را کاملاً قطع کرد و در سال ۲۰۰۲ از پروژه صلح ملک عبدالله حمایت کرد. البته، عمان از سال ۲۰۰۸ پس از دیدار بن علوی با وزیر امور خارجه وقت اسرائیل، یعنی لیونی، دفاتر تجاری خود را در مسقط و تل‌آویو بازگشایی کردند و روابط خود را بهبود بخشیدند. عمانی‌ها در سال ۲۰۱۶ در تشیع جنازه شیمون پرز به‌طور رسمی شرکت کردند و در سال‌های اخیر با سفر بن علوی به اسرائیل و سفر اخیر نتانیاهو به عمان این روابط به‌شدت تعمیق شده است.

واقعیت کنونی منطقه بیانگر دو رویکرد هم‌زمان از سوی برخی بازیگران عرب است: همگرایی با اسرائیل و واگرایی از ایران. عمان با همه خسارت‌های ناشی از رویکرد همگرایی‌اش با اسرائیل این همگرایی را با نیت ضدیت با ایران انجام نمی‌دهد. به بیان دیگر، عمان در یک رویکرد فعال است و آن هم همگرایی با اسرائیل است نه واگرایی از ایران. از نگاه عمان شرایط منطقه تغییر کرده و عوض شده و باید تغییر کرد و در گذشته نماند و برای نقش‌آفرینی منطقه‌ای باید آغوش را برای اسرائیل باز کرد و البته این آغوش باز را به معنای پایان هم‌آغوشی با ایران نمی‌داند (ساسانیان، ۱۳۹۷).

عمان مسئله فلسطین را، که از سال‌ها قبل میزبانی طرفین دعوا را داشته، فرصت خوبی برای نشان‌دادن حسن نیت خود به آمریکا می‌داند. بنابراین، در کنار سایر عوامل می‌توان طرح ترامپ برای پرونده اسرائیل را یکی از دلایل اصلی ارتباطات گرم میان عمان و اسرائیل در نظر گرفت. عمان سیاست خارجی مداراجویانه و متساهلانه‌ای دارد و همواره به دنبال میانجیگری در پرونده‌های مختلف است. در همین راستا، آن‌ها که از گذشته میزبان گروه‌های فلسطینی بوده‌اند و با

1. Camp David Accords
2. Madrid Accords

قطر نیز رابطه خوبی دارند می‌توانند نقش مهمی در مذاکرات صلح میان اسرائیل و گروه‌های فلسطینی بازی کنند و از این طریق پرستیژ و احترام بیشتری در جامعه جهانی به دست آورند. عمان در مسئله رابطه خود با اسرائیل بیش از آنکه به فکر نشان دادن چنگ و دندان به ایران باشد (البته رابطه با اسرائیل را بالانس قدرتی با ایران نیز می‌بیند) به دنبال این است که ابتکار عمل در این پرونده منطقه‌ای را از دستان عربستان دریاورد و با رابطه خوب با اسرائیل معادلات منطقه‌ای را به نفع خود رقم بزند و در مقابل زیاده‌خواهی‌های عربستان به‌طور غیرمستقیم ایستادگی کند. قطعاً توان مالی و تکنولوژیک اسرائیل برای عمان نیز اهمیت بسزایی دارد و رابطه حسنه اسرائیل و هند، که نفوذ زیادی در عمان دارد، نیز مزید بر علت است. به‌طور کلی، می‌توان گفت همراهی با سیاست‌های ترامپ در مورد فلسطین، بالانس قدرت با عربستان و امارات، به‌دست‌گرفتن ابتکار عمل در مناسبات منطقه‌ای و خارج کردن عربستان از معادلات و میانجیگری میان فلسطینی‌ها و اسرائیل از اهداف اصلی سلطنت عمان در رابطه رسمی و علنی با اسرائیل است (میرگلوی بیات، ۱۳۹۷).

عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر سیاست خارجی عمان

موقعیت جغرافیایی

تنگه هرمز: در میان تنگه‌های استراتژیک جهانی، آدمیرال فیشر^۱ و فلیپ کلمب^۲ تنگه هرمز را با تنگه مالاکا^۳، جبل الطارق^۴، سوئز^۵، سنگاپور^۶، امید نیک^۷، و دوور^۸ به‌عنوان کلیدهای جهان نام برده‌اند (فریدمن، ۱۹۸۸: ۵۷). واقع‌شدن تنگه هرمز در سطح تماس اهداف دو قدرت بری و بحری همراه با ارزش‌های ژئواستراتژیک آن و نیز قرارگرفتن در کانون مرکزی ریملند باعث شده که همواره در استراتژی‌های نظامی بری و بحری موردتوجه قرار گیرد. از طرف دیگر، تنگه هرمز نقش ارتباطی خود را، به‌عنوان یک آبراه بین‌المللی، از گذشته‌های دور حفظ کرده است و با انتقال نفت خلیج فارس به کشورهای صنعتی و غیرصنعتی در رفع نیازهای نظامی، خدماتی و رفاهی و صنعتی آن‌ها نقش مهمی دارد (فلاح‌تبار، ۱۳۹۶: ۲۸).

تنگه هرمز برای دفاع از شبه‌جزیره مسندم^۹ عمان حائز اهمیت بسیار است. عمان به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود: قسمت شمالی کشور یعنی شبه‌جزیره مسندم به‌وسیله امارات متحده از قسمت جنوبی کشور جدا شده است. این گسستگی سرزمینی موجب شده تا عمان از نظر حفظ امنیت سرزمینی، عملیات نظامی، و کنترل تنگه هرمز با مشکلات جدی مواجه باشد؛ به‌ویژه شبه‌جزیره مسندم منطقه‌ای کوچک، کوهستانی، دارای سواحل باریک، و جزایر و شبه‌جزایر متعدد است که دفاع از آن را مشکل می‌سازد. این مسئله سبب شده تا عمان برای حفظ امنیت این قسمت از سرزمین خود به ایران یا قدرت‌های غربی متکی باشد (جعفری ولدانی، ۱۳۸۹: ۴۴).

سواحل طولانی: سواحل عمان به طول بیش از ۱۷۰۰ کیلومتر در خلیج فارس، دریای عمان، و دریای عرب

گسترده است (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۸۷: ۱-۲). این امر سبب شده است که عمان از دیرباز به‌سوی اقیانوس هند نظر داشته باشد. بر همین اساس، در گذشته نفوذ عمان تا سواحل شرقی افریقا از جمله زنگبار و بخشی از

1. Admiral Fisher
2. Flip Columbus
3. Malacca
4. Gibraltar
5. Suez
6. Singapore
7. Good hope
8. Dover
9. Musandam

سواحل مکران پاکستان رسیده است^۱. موقعیت جغرافیایی عمان، که بر سر راه دریایی اروپا، آسیا، و لفریقا به سواحل هند و خلیج فارس قرار دارد، باعث شده تا از دیرباز قدرت‌های غربی توجه خاصی به آن نشان دهند. عمان با دارا بودن مرز دریایی نسبتاً طولانی و بنداری همچون صحار^۲، دقم^۳، و صلاله از موقعیت ژئوپلیتیکی خاصی برخوردار است. جزایر کوریا موری^۴ (حلائیات) و مصیره^۵، که از لحاظ نظامی در حکم سرپل‌هایی برای عملیات آبی-خاکی‌اند، موقعیت حساس این کشور را چندبرابر می‌کند (عزتی، ۱۳۹۴: ۱۰۱). شاید بتوان به بنادر دقم و صلاله به‌عنوان ویتترین عمان در نظم ژئوپلیتیک منطقه‌ای نگاه کرد. عمان به لحاظ اقتصادی و با توجه به موقعیت استراتژیک بنادر دقم به‌عنوان یک بندر صنعتی و صلاله به‌عنوان یک بندر کانتینری در حال راه‌اندازی پروژه‌های توسعه‌ای کلانی است. به‌نظر می‌رسد موقعیت جغرافیایی عمان و ویژگی منحصربه‌فرد شهرهای ساحلی بیشترین نقش را در تدوین توافق‌نامه عمان و امریکا (توافق‌نامه ۲۴ مارس ۲۰۱۹) و همچنین سرمایه‌گذاری چین در این بنادر ایفا کرده است. پروژه‌هایی که با هدف تبدیل این بنادر به قطب صنعتی و لجستیک منطقه‌ای و کشتیرانی و تبدیل‌شدن به یک بازیگر کلیدی در صنعت حمل‌ونقل جهانی دنبال می‌شوند.

سواحل شرقی دریای عمان می‌تواند به کشورهای خلیج فارس، که به‌طور کامل وابسته به تنگه هرمزند به‌عنوان جای‌گزین عمل کند تا در صورت بروز هرگونه بحران قادر باشند نفت و گاز و کالاهای غیرنفتی خود را بدون نیاز به تنگه هرمز به فروش برسانند. با دسترسی ایالات متحده به امکانات و بنادر عمان در خارج از تنگه هرمز و در آب‌های عمیق‌تر فرصت بهتر و گزینه‌های نظامی بیشتری نسبت به خلیج فارس برای مانور دریایی امریکا فراهم می‌کند و به روابط ژئوپلیتیک جدیدتری شکل می‌دهد. موقعیت دریایی و پتانسیل ساحلی عمان، نیاز کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به همراه حمایت ایالات متحده، در راستای سیاست‌های بی‌طرفانه مبتنی بر خط‌مشی «دوستان همه، دشمن هیچ‌کس» پناهگاه امن‌تری برای عمان خواهد بود (پولاب، ۱۳۹۸). موقعیت‌های متعدد جغرافیایی از جمله دسترسی به سواحل طولانی در دریای عمان، عرب، و اقیانوس هند و نیاز اقتصادی و نظامی کشورهای منطقه و فرامنطقه به آن و قرارگرفتن در کنار تنگه ژئواستراتژیک هرمز و نیاز عمان به تأمین امنیت خود توسط ایران و قدرت‌های غربی جهت‌گیری خاصی را به سیاست خارجی عمان دیکته می‌کند. این جهت‌گیری به‌منظور تأمین اهداف و منافع ملی روابط حسنه با قدرت‌های همسایه و بین‌المللی است که تاکنون دستاوردهای مثبتی برای عمان داشته است.

نقش مذهب اباضیه^۶

مذهب اباضیه مذهبی خاص است که در جهان عرب پیروان کمی دارد. حدود ۷۵ درصد از مردم عمان پیرو مکتب اباضیه‌اند. نگاه اعراب منطقه به مذهب اباضیه نگاه مثبتی نیست؛ به همین دلیل عمان تلاش کرده تا کمتر به چالش‌های مذهبی و منطقه‌ای ورود کند. بنابراین، به‌نظر می‌رسد عمان از نظر مذهبی تلاش کرده سیاست خارجی خود را به دور از جریان‌سازی‌های مذهبی حفظ کند و درعین‌حال رابطه خوبی با همه کشورهای جهان عرب و اسلام داشته باشد. بسیاری از مردم عمان با توجه به دیدگاه افراطی رهبران مذهبی عربستان سعودی، که پیروان فرقه اباضیه را مرتد می‌پندارند، نگران تلاش‌های ریاض برای افزایش نفوذ خود در بین کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس‌اند. عمان، که نه

۱. سلطان سعید این تیمور در سال ۱۹۵۸ گوادر را، که بخشی از خاک عمان بود، به مبلغ سه میلیون پوند استرلینگ به پاکستان فروخت.

2. Sohar
3. Duqm
4. Khorya morya
5. Masirah
6. ibadiyya or ibadism

شیعه نه سنی به شمار می‌رود، تمایلی به دامن‌زدن به این اختلاف خطرناک ندارد (پروین و جلال‌پور، ۱۳۹۵: ۸۱) و به همین خاطر از بسیاری از نزاع‌های فرقه‌ای که به جان خاورمیانه افتاده به دور هستند. این موقعیت به عمان اجازه داده است تا نقش منحصر به فردی را در پشت پرده برای تسهیل بسیاری از اقدامات دیپلماتیک در خاورمیانه بازی کند (کافی، ۲۰۱۸).

تحلیلگران بی‌شماری سیاست خارجی عمان را نتیجه اعتدال و میانه‌روی سلطان دانسته‌اند، اما کمتر به این موضوع توجه شده که میانه‌روی و اعتدال یکی از اصول مورد توجه مذهب اباضی است (کافیرو، ۲۰۱۴). البته، این موضوع به معنای این نیست که این اعتدال و میانه‌روی در شخصیت همه مقامات این کشور به این اندازه بروز و تجلی پیدا کرده یا خواهد کرد، بلکه مراد آن است که گفته شود سلطان قابوس، به عنوان شخص اول تنظیم‌کننده روابط خارجی عمان، سیاست خارجی کشورش را بر اساس مجموعه‌ای از شاخصه‌ها و ویژگی‌هایی که در واحد متمایز سیاسی-اجتماعی و جغرافیایی به نام عمان ماهیتی وجودی دارند تعریف و تنظیم کرده که یکی از این موارد میانه‌روی و سنجیدگی در اتخاذ موضع است که ریشه در هویت مستقل و متمایز اباضی عمانی‌ها دارد (کرمی و دوست‌محمدی، ۱۳۹۵: ۱۴۲).

اباضیان کنونی بیشتر بنای خود را بر تعامل با دیگر مذاهب گذاشته و از مدافعان وحدت و تقریب مسلمانانند و بر لزوم وحدت و عدم تکفیر دیگران اصرار دارند. اباضیان معاصر از نظر سیاسی تنها یک حکومت مستقل در عمان دارند که کم‌وبیش از حمایت‌های این دولت در نقاط مختلف جهان برخوردار می‌شوند و این پادشاهی به دنبال ارتباط با دیگر کشورها در یک رابطه مسالمت‌آمیز و همراه با تسامح بوده است. چنانکه مشاهده می‌شود، سلطنت عمان در منازعات سیاسی کشورهای اسلامی با یکدیگر حتی با کشورهای غیراسلامی، همچون امریکا، به هر دلیلی که هست، در میانجیگری میان آن‌ها پیش قدم شده و خود را به مثابه دولتی خیرخواه و غیرمتعصب در امور سیاسی و دینی نشان می‌دهد (عادلی، ۱۳۹۷: ۱۰۸).

اکثریت مذهب اباضی این کشور موجب انزوای مذهبی عمان در جهان اسلام شده و وهابیت از زمان پیدایش خود چندین بار وارد نزاع و درگیری با پیروان این مذهب شده است و هنوز هم اباضیان را از فرق منحرف جهان اسلام می‌داند و بعضاً اباضیه را نیز تکفیر می‌کند (عابدی، ۱۳۹۸). اکثریت اباضیه مذهب، افزایش تنش‌های فرقه‌ای میان مسلمانان شیعه و سنی را تراژدی‌ای برای جهان اسلام می‌بیند. این کشور به جای پیوستن به عربستان سعودی برای کمک به بنیادگرایان سنی در خاورمیانه و مقابله با گسترش نفوذ ایران ترجیح داد تا بی‌طرفی اتخاذ کند و خواهان راه‌حل صلح‌آمیز باشد. این بی‌طرفی از عمان چهره‌ای ساخت که بتواند در بحران‌های یمن و سوریه، به عنوان یک میانجی مشروع، نقش ایفا کند؛ نقشی که هیچ‌یک از دیگر اعضای شورای همکاری قادر به اجرای آن نبودند (www.iuvmppress.com). بنابراین، رویکرد مداراجویانه مذهب اباضیه، که به نوعی در تضاد مذهبی با سایر کشورهای عربی است، باعث شده که پادشاهی عمان به دور از نگاه دینی و افراطی و به دور از جنجال‌ها و درگیری‌های خشونت‌بار فرقه‌ای، اصل بی‌طرفی را در منازعات منطقه‌ای حفظ و شرایط را به گونه‌ای فراهم کند تا ارتباطات خود را با همه کشورهای مختلف گسترش دهد.

کامبود منابع انرژی و نیاز به سرمایه‌گذاری خارجی

عمان، به رغم قرارگرفتن در میان کشورهای نفت‌خیز، منابع نفت و گاز محدودی در خلیج فارس داراست و پیش‌بینی می‌شود منابع انرژی عمان زودتر از کشورهای دیگر به پایان برسد. به همین دلیل، برای جبران نیازمندی‌های انرژی خود به همسایگانش نیازمند است. همین موضوع موجب شده تا در روابط سیاسی خود با همسایگان و به خصوص ایران میانه‌روی و آینده‌نگری را رعایت کند (مرادی، ۱۳۹۷).

عمان، در حال حاضر، بخشی از نیاز گاز خود را از طریق خط لوله‌ای که از قطر آغاز و با عبور از امارات متحده به این کشور می‌رسد تأمین می‌کند. مسائل و اختلافات سیاسی و مرزی دو کشور عمان و امارات عربی متحده باعث شده است تا عمان این خط لوله را محل امنی برای تأمین نیازهای بلندمدت خود نداند و امارات عربی متحده می‌تواند از این طریق به اعمال فشار به عمان بپردازد. عمان به دنبال حل این مشکل فقط از یک طریق می‌تواند اقدام کند و آن منابع گازی ایران در شمال این کشور است. بین ایران و عمان قراردادی در این زمینه بسته شده که با پیگیری آن نه تنها بخشی از نیاز عمان به انرژی رفع می‌شود، بلکه جای پای ایران در زمینه انرژی عمان در دیگر حوزه‌ها همچون حوزه نیروگاهی نیز که در ایران در آن تخصص بالایی دارد باز می‌شود (مختاری و آدمی، ۱۳۹۶: ۲۲۸).

اقتصاد عمان مانند بسیاری از کشورهای منطقه به شدت به صادرات نفت وابسته است؛ به گونه‌ای که ۷۷ درصد درآمدهای بودجه کشور در سال ۲۰۱۴ از بخش نفت و گاز تأمین شده است. کشور عمان در سال ۲۰۱۳ دارای ۵/۵ میلیارد بشکه ذخایر اثبات شده و میزان ۳۴۳/۷ میلیون بشکه تولید نفت بوده است که این امر نشان‌دهنده آن است که، با فرض عدم کشف منابع جدید و ثابت بودن تکنولوژی و میزان تولید سالیانه، این کشور تا ۱۶ سال آینده تولید نفت خام خواهد داشت. هزینه استخراج نفت و گاز در کشور عمان نسبتاً بالاست. قیمت تقریبی سربه‌سری برای هر بشکه نفت در سال ۲۰۱۳، ۱۰۴ دلار است. بنابراین، قیمت صادراتی این کشور باید بالاتر از این مقدار باشد تا بتواند درآمدی نصیب عمان سازد. بنابراین، تداوم توسعه منابع نفت و گاز عمان شدیداً به فناوری استخراج وابسته است و به دلایل بالا بودن هزینه‌های تولید در این کشور حضور شرکت‌های بین‌المللی در اکتشاف و توسعه فعالیت‌های نفت و گاز در عمان بسیار حیاتی و ضروری است (www.mop.ir.p.7). علاوه بر هزینه بالای استخراج، عواملی همچون مرغوبیت ناکافی و چسبناک بودن نفت (عدم سیالیت کافی)، عمق زیاد مخازن و حجم نه‌چندان بالای منابع نفت و سیاست پیش‌بینی‌نشده صادرکنندگان عمده نفت - مثل عربستان که ذاتاً طرفدار افزایش تولید هستند - تولیدکننده کوچکی مثل عمان را ناچار از تجدیدنظر در اتکا به درآمدهای نفتی می‌کند. در واقع، عمان با توجه به برخی تنگناهای اقتصادی مجبور به اتخاذ سیاست بی‌طرفی شده که در پنج دهه گذشته این سیاست توانسته موفق عمل کند (مرادی، ۱۳۹۷).

با توجه به منابع نسبتاً کم نفت، گسترش روابط تجاری با قطب‌های اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی، عضویت در سازمان تجارت جهانی (WTO)^۱ و داشتن قرارداد تجارت آزاد و تعرفه صفر با کشورهای امریکا، انگلیس، سنگاپور، و استرالیا مزیت‌های عمان را برای سرمایه‌گذاری خارجی دوچندان می‌کند. راه‌اندازی پروژه‌های تولیدی کلان در بنادر دقم و صلاله با هدف تبدیل این بنادر به قطب صنعتی و لجستیکی منطقه‌ای و کشتیرانی و تبدیل شدن به یک بازیگر کلیدی در صنعت حمل‌ونقل جهانی، مانند آذربای جدید، پروژه‌های اقتصادی را در قرن بیست‌ویکم به خود جذب کرده است (پولاب، ۱۳۹۸). بر اساس گزارش سرمایه‌گذاری جهانی (UNCTAD)^۲، در سال ۲۰۱۹، عمان بالاترین سرمایه‌گذاری خارجی را در میان کشورهای عربی به مبلغ ۲۸,۲ میلیارد دلار از آن خود کرده است که منطقه ویژه اقتصادی دقم به‌تنهایی ۱۱ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری را جذب کرده است (www.nordeatrad.com). نیاز به سرمایه‌گذاری خارجی برای راه‌اندازی و تکمیل پروژه‌های کلان اقتصادی و همچنین مصرف روزافزون انرژی و نیاز به واردات گاز از همسایگان موجب شده تا عمان در روابط سیاسی خود میانه‌روی و هم‌افزایی با همسایگان و قدرت‌های برتر و تأثیرگذار منطقه را جزو استراتژی سیاسی پایدار خود انتخاب کند.

1. world trade organization

2. united Nations conference on trade and development

کمبود جمعیت

در تاریخ تحولات جهان، عنصر جمعیت همواره یکی از مؤثرترین مؤلفه‌های قدرت به‌شمار می‌آمده است. به همین دلیل است که در نظریات کلاسیک قدرت، جمعیت در کنار سه عنصر دیگر - یعنی قلمرو، دولت، و حاکمیت - از جمله مؤلفه‌های اساسی قدرت به‌شمار می‌آید. بر اساس نظریات کلاسیک، جمعیت بالای جوامع به آنان فرصت می‌دهد تا در برابر هجمه‌های خارجی ایستادگی کنند و با افزایش وصلت‌ها، وسعت قبیله را افزایش دهند. همچنین، از آنجاکه اقتصاد در جوامع اولیه مبتنی بر کار فیزیکی و نه تکنولوژی جای‌گزین نیروی کار بوده است، جمعیت، علاوه بر افزایش قدرت رزم، به قدرت اقتصادی نیز منجر می‌شده و توان کشور برای تأمین مایحتاج را بیشتر می‌کرده است. در ارزیابی قدرت کشورها فرض بر این است که در وضعیت مساوی کشوری که دارای جمعیت بیشتر است قدرتمندتر است از کشوری که جمعیت کمتری دارد. جمعیت بیشتر از دیدگاه سیاسی و نظامی اهمیت دارد؛ ولی از جهت اقتصادی به‌ویژه هنگامی که چگونگی توزیع و پراکندگی جمعیت در سرزمین و روندهای جمعیت‌نگاری در نظر است وضع متفاوت خواهد بود. در این صورت، خصوصیت کیفی جمعیت، ساختمان جمعیت، سطح سواد، آهنگ رشد و نسبت سن به جنس مهم‌تر از تعداد آن است (میرحیدر، ۱۳۸۰: ۱۲۳). کشور پادشاهی عمان، با مساحت حدود ۳۰۰۰۰۰ هزار متر مکعب، دومین کشور از میان کشورهای عرب خلیج فارس بعد از عربستان سعودی است؛ اما جمعیت این کشور، که البته بیش از یک‌سوم آن را هم مهاجران تشکیل می‌دهند، به نسبت مساحتش خیلی اندک و در مقابل قدرت‌های خارجی بسیار آسیب‌پذیر است. جمعیت عمان در سال ۲۰۱۹ حدود ۴/۹ میلیون نفر برآورد شده است (www.worldpopulationreview.com) که دو میلیون و یک‌صد و هشتاد هزار نفر خارجی هستند و مهم‌ترین تهدیدی است که آینده بافت جمعیتی عمان را دگرگون خواهد کرد. در حال حاضر، حدود یک میلیون مهاجر هندی و بیشتر از یک میلیون مهاجر از کشورهای فیلیپین، پاکستان، بنگلادش، مصر، اردن، عراق، تونس، و سودان در این کشور زندگی می‌کنند (www.iiwfs.com). بنابراین، این ضعف و کمبود جمعیت در این کشور موجب شده است تا کارگزاران این کشور در سیاست خارجی خود جوانب احتیاط و میانه‌روی را در دستور کار قرار دهند و در جست‌وجوی یافتن حامی و مدافع نهایت هم‌افزایی را با همسایگان و قدرت‌های برتر و تأثیرگذار منطقه داشته باشند (پروین و جلال‌پور، ۱۳۹۵: ۸۳). با توجه به جمعیت کم، این کشور به‌تنهایی قادر به اثرگذاری خاصی در بحران‌ها نیست. بر همین اساس، عمان راهبرد چندجانبه را با همه کشورهای در تمامی سطوح حفظ کرده و به‌عنوان یک اصل راهبردی به آن پایبند است. بنابراین، تلاش این کشور برای میانجیگری و نقش‌آفرینی صلح‌آمیز بهترین و بیشترین حد نقش‌آفرینی در بحران‌هاست.

ضعف قوای نظامی

امروزه، کشورهای خاورمیانه، به‌ویژه کشورهای کوچک عربی، به‌رغم کمک‌های نظامی و حمایت کشورهای غربی، با مشکلات متعددی روبه‌رو هستند. نگاهی به بودجه نظامی کشورهای عربی نشان می‌دهد که این کشورها، به‌رغم اختصاص بودجه زیاد در این حوزه، همچنان نتوانسته‌اند ارتشی مقاوم و متناسب با اوضاع آشفته منطقه تشکیل دهند. تا قبل از به قدرت رسیدن سلطان قابوس، عمان فاقد ارتش و نیروهای مسلح مستقل بود. بیشتر نظامیان مستقر در این کشور تا پیش از این تاریخ انگلیسی بودند و تحت نظر ارتش بریتانیا فعالیت می‌کردند (مینایی، ۱۳۹۴). کشور عمان در دهه ۱۹۷۰ یک بار از سوی چریک‌های کمونیست ظفار تهدید شد و اگر حمایت و دخالت کشورهای خارجی نبود، دچار فروپاشی سیاسی می‌شد. از آن زمان همه تلاش این کشور برای حفظ ثبات و امنیت داخلی است و سیاست بی‌طرفی سیاست نظامی و دفاعی همیشگی این کشور بوده است و مانند بسیاری از کشورهای کوچک منطقه با بستن پیمان‌های نظامی با آمریکا و بریتانیا و دیگر کشورهای منطقه امنیت خود را تضمین می‌کند (ربیعی، ۱۳۹۷). عمان در گزارش‌های نظامی جهانی در رتبه ۷۹ قرار دارد و در میان کشورهای عربی در رده یازدهم است. حدود ۶۰ هزار نیرو و نظامی فعال و

ذخیره دارد؛ با این حساب، نه در سطح منطقه نه در سطح جهانی قدرت نظامی قابل توجهی به‌شمار نمی‌آید. با وجود تلاش این کشور برای نوسازی تجهیزات و تسلیحات نظامی، این فعالیت‌ها صرفاً جنبه دفاعی دارد و با وجود قدرت‌های بزرگی مانند ایران، پاکستان، و عربستان در هم‌جواری این کشور، توان تهاجمی و بازدارندگی این کشور قابل توجه نیست. عمان از راه واگذاری پایگاه‌های نظامی به قدرت‌های جهانی و به خدمت گرفتن مستشاران نظامی از این کشورها در تلاش برای توانمندی‌های نظامی و حفظ توان دفاعی خود است (ربیعی، ۱۳۹۷). بر پایه اطلاعات مؤسسه بین‌المللی مطالعات راهبردی (IIS)، هشت کشور از ۱۵ کشور پُرخرج دنیا از لحاظ نظامی را کشورهایی واقع در خاورمیانه و شمال آفریقا اعلام کرده است. طبق آمار این مؤسسه بین‌المللی، عمان با بودجه‌ای بیشتر از ۱۱ میلیارد دلار، پُرخرج‌ترین کشور خاورمیانه در حوزه نظامی است؛ اما به‌رغم اختصاص این بودجه زیاد، این کشور ارتش بسیار ضعیف و کوچکی، به‌ویژه از لحاظ نیروی انسانی، دارد. در حال حاضر، دولت عمان در جهت رفع کمبود نیروی انسانی خود در ارتش، علاوه بر استفاده از کارشناسان و مستشارانی از کشورهای امریکا، انگلیس، و ایتالیا در مدارس نظامی و آکادمی، حدود ۲۰۰۰ نفر از افسران و درجه‌داران پاکستانی را در قالب پیمان نظامی به خدمت گرفته است و در مأموریت‌های نظامی از این کارکنان استفاده عملیاتی می‌نماید (مینایی، ۱۳۹۴). به همین دلیل، ضعف قوای نظامی ارتش عمان یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در سیاست خارجی این کشور به‌شمار می‌رود و همین موضوع موجب شده تا پادشاهی عمان در روابط سیاسی خود با قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نهایت احتیاط و میانه‌روی را به خرج دهد.

ژئوپلیتیک مرز

سرزمین عمان از شمال یعنی تنگه هرمز با ایران، از شمال غربی با امارات عربی متحده، از غرب با عربستان سعودی، و از جنوب غربی با یمن همسایه است. از شرق نیز دارای خط ساحلی طولانی در کنار دریای عمان، دریای عرب، و اقیانوس هند است. عمان در گذر سده‌ها، بارها از صحنه تاریخ حذف شده است. این کشور به مدت چند قرن بخشی از امپراتوری ایران بوده و با تضعیف قدرت ایران دولت پرتغال جای آن را گرفت. از قرن ۱۸ تا سال ۱۹۷۱ این کشور تحت‌الحمايه انگلیس بوده است. نقش اصلی بریتانیا در مرزبندی‌های سیاسی سرزمین‌های شمال شرقی و شرق شبه‌جزیره عربستان سبب ایجاد مشکلات اساسی متعدد و ماندگار ناشی از آن برای کشورهای منطقه به‌ویژه عمان شده است (جعفری ولدانی و جعفری ولدانی، ۱۳۹۱: ۸۴).

ژئوپلیتیک مرزهای عمان با عربستان

عمان، به دلیل اختلافات تاریخی و مذهبی، همواره عربستان را رقیب و دشمن دیرینه خود تلقی می‌کند. عربستان سعودی و عمان بر سر کنترل واحه‌های بوریمی^۲ بارها زدوخورد و درگیری‌های نظامی پیدا کردند و اکتشافات نفت در دهه ۱۹۵۰ در مناطق عمان به درگیری‌های جدی بیشتری بین طرفین منجر شد؛ زیرا بحران این منطقه تا حدودی از رقابت امریکا و انگلیس به‌منظور بهره‌برداری از مناطق زیرزمینی آن سرچشمه گرفته بود. اختلاف بین عربستان و عمان بر سر واحه بوریمی و منطقه ربع الخالی^۳، که در مقاطع مختلف بین دو کشور جریان داشته است، ظاهراً در طول جنگ تحمیلی عراق علیه ایران متوقف شد، اما پس از پایان جنگ مجدداً از طرف سعودی‌ها مطرح شد. عمانی‌ها با درک موقعیت برتر عربستان در مجموعه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، از یک سو، و امکان استفاده از کمک‌های مالی آن کشور از سوی دیگر سعی کرده‌اند مشکلات خود را با عربستان حل کنند و روابط خوبی با آن کشور برقرار نمایند. در این راستا به دنبال دیدار خصوصی فهد، پادشاه عربستان سعودی، از ۲۱ تا ۲۳ دسامبر ۱۹۸۹ از مسقط، دو

1. international institute for strategic studies

2. Buraymi

3. Rub Al khali

کشور توافق کرده‌اند که سرزمین‌های فی‌مابین خود را علامت‌گذاری کنند. به‌طور کلی، انگیزه عمان از حل مشکلات مرزی با عربستان سعودی را می‌توان در سیاست این کشور جهت کاهش تنش و ایجاد موازنه قوا در منطقه و همچنین بهره‌مندی از منابع سرشار عربستان سعودی جست‌وجو کرد (محمدی، ۱۳۹۴: ۱۳۶).

ژئوپلیتیک مرزهای عمان با امارات متحده عربی

عمان و امارات نیز مانند سایر کشورهای عربی حوزه خلیج فارس دارای اختلافات مرزی و سرزمینی‌اند. امارات بین دو قسمت شمالی و جنوبی عمان جدایی انداخته است (نقشه ۱). عمان خواهان راهی است که آن کشور را به شبه‌جزیره مسندم از طریق فجیره^۱ و شارجه^۲ متصل کند؛ درحالی‌که امارات مخالف این درخواست عمان بوده و این مخالفت سبب درگیری مسلحانه بین دو کشور در سال ۱۹۷۹ گردید و دو کشور تا مه ۱۹۹۱ از هرگونه روابط کامل دیپلماتیک خودداری کردند. البته، عمان با دریافت کمک مالی سالانه از امارات متحده عربی، ادعاهای ارضی خود را مسکوت گذاشت و با برقراری روابط سیاسی و سفر متقابل سران دو کشور اختلافات موجود شدیداً کاهش یافت. باوجوداین، اختلافات بین عمان و امارات در شبه‌جزیره مسندم به‌صورت یک منبع تنش بلندمدت درآمده است؛ به‌گونه‌ای که در ۸ نوامبر ۱۹۹۲ بین دو کشور بر سر منطقه مسندم برخورد نظامی صورت گرفت و چند نفر از افراد دو کشور کشته شدند. دو کشور از تبادل سفیر خودداری کردند تا اینکه در سال ۱۹۹۹ در خصوص مرز آن‌ها توافقی صورت گرفت (جعفری ولدانی و جعفری ولدانی، ۱۳۹۱: ۸۷-۹۳). دویارگی و دو بخش بودن قلمرو عمان و فقدان راه زمینی مستقل بین سرزمین اصلی عمان و شبه‌جزیره مسندم، در صورت بحران، می‌تواند مانعی بر اعمال حاکمیت رژیم عمان بر این منطقه باشد (همان‌طور که در پاکستان پیش آمد و بخش شرقی آن، بنگلادش، از آن جدا شد). به خاطر جدایی سرزمینی چنانچه در شرایطی خاص قدرت‌های خارجی حاکمیت عمان را بر بخش جنوبی تنگه هرمز به مصلحت خود ندانند، به‌راحتی می‌توانند وسیله جانشین این بخش از سرزمین عمان را فراهم آورند. به‌خصوص در صورتی که رژیمی مخالف با منافع این قدرت‌ها در این کشور زمام امور را در دست گیرد (پولاب، ۱۳۹۸).



نقشه ۱. (منبع: www.international.gc.ca)

1. fujairah
2. sharjah

ژئوپلیتیک مرزهای عمان با یمن

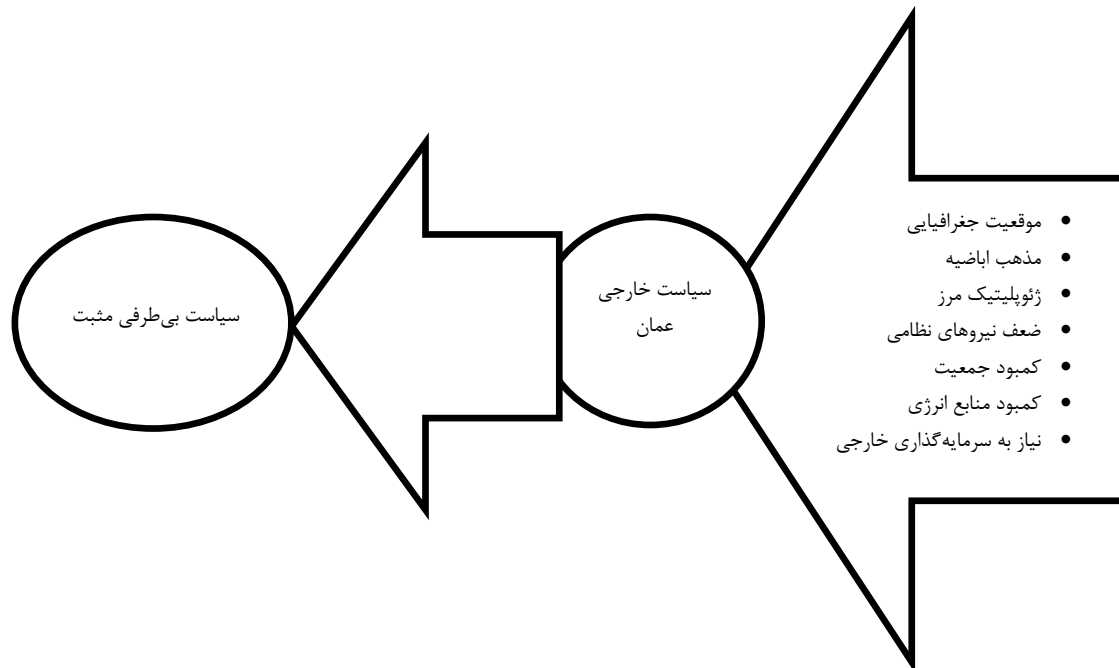
یکی از دلایل اصلی اختلافات مرزی عمان با یمن جنگ ظفار بود. در برخوردهای مرزی بین دو کشور، هر یک دیگری را متهم به تجاوز به خاک خود می‌کرد. یمن ادعا می‌کرد که نیروهای سلطان قابوس در تعقیب چریک‌های ظفار از مرز گذشته و بخش‌هایی از خاک یمن را به تصرف درآورده‌اند و این مناطق را همچنان در اشغال خود دارند. به علت مشخص نبودن مرزهای بین دو کشور، تعیین اینکه نیروهای کدام یک از طرفین از مرزها گذشته و به خاک دیگری تجاوز کرده مشکل بود (EIU, 1983: 33).

علاوه بر آن، اختلافات سیاسی-ایدئولوژیکی بین دو کشور مانع هرگونه تفاهم بود. رقابت قدرت‌های بزرگ (انگلیس، شوروی، و آمریکا) نیز برای توسعه نفوذ در این دو کشور وضع را پیچیده می‌کرد. از دهه ۱۹۶۰ سیاست یمن نگرانی اصلی عمان را تشکیل می‌داد. جنبش ظفار، که با حمایت یمن علیه سلطان قابوس مبارزه می‌کرد، از موانع اصلی تفاهم بود (نایرپ، ۱۹۸۵: ۳۵۹).

از اواسط دهه ۱۹۷۰ جنبش ظفار رو به ضعف رفت و سرانجام در سال ۱۹۸۲ پایان یافت. از طرف دیگر، در سیاست خارجی عمان نیز تغییر قابل توجهی روی داد و آن برقراری روابط با شوروی بود. به این ترتیب، یک مانع دیگر عادی سازی روابط بین دو کشور از میان رفت. تغییر در سیاست‌های دو کشور و همچنین میانجیگری کویت و امارات عربی متحده موجب موافقت‌نامه نوامبر ۱۹۸۲ در کویت شد (جعفری ولدانی و جعفری ولدانی، ۱۳۹۱: ۱۰۸).

به دنبال تنش در جنوب یمن و مخالفت احزاب و سازمان‌های سیاسی با توافقات مرزی (EIU, 1992: 11)، با گذشت ده سال و با برگزاری چندین دور مذاکرات اسناد تصویب معاهده مرزی بین دو کشور در مسقط در ۲۷ دسامبر ۱۹۹۲ مبادله شد. بر این اساس، خط مرزی زمینی عمان و یمن به طول ۳۰۰ کیلومتر و مرز دریایی بر اساس مقررات حقوق بین‌الملل، کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوطه، و حقوق بین‌الملل دریاها تعیین شد (جعفری ولدانی و جعفری ولدانی، ۱۳۹۱: ۱۱۱).

یکی از ویژگی‌های مرزی و قراردادهای مرزی عمان با کشورهای هم‌جوار ناپایداری آن است. انعقاد این قراردادها به ندرت موجب حل و فصل نهایی اختلافات می‌شود. در واقع، طرفی که قراردادهای مرزی را در جهت اهداف و منافع خود نمی‌بیند آن را در فرصت مناسب لغو می‌کند. بنابراین، انعقاد قراردادهای مرزی به مفهوم پایان اختلافات نیست. در این مورد می‌توان برای مثال از قراردادهای مرزی متعدد بین ایران و عراق نام برد (جعفری ولدانی، ۱۳۷۳: ۱۸۱). مرزهای عمان با کشورهای عربی هم‌جوار، به لحاظ وضعیت عقب‌ماندگی این کشورها و همچنین ترسیم نامطلوب مرزها به وسیله بریتانیا، مشکلات جدی دارند که از این لحاظ نمی‌توان به پایداری مرزها و کاهش بحران‌های مرزی و ارضی به‌آسانی دل بست (روشندل و سیف‌زاده، ۱۳۸۲: ۵۸-۵۹). تگناهای ژئوپلیتیکی ناشی از مرزهای عمان با کشورهای هم‌جوار و قدرتمند، به‌ویژه امارات متحده عربی، باعث شده این کشور بر اساس مؤلفه‌های بی‌طرفی مثبت در سیاست خارجی، برای بهره‌مندی از منابع اقتصادی عربستان و امارات به‌ویژه سرمایه‌گذاری در پروژه‌های جدید اقتصادی نهایت احتیاط و دوری از تنش را به کار گیرد (محمدی، ۱۳۹۴: ۱۳۶). بر این اساس، می‌توان چنین بیان کرد که عوامل ژئوپلیتیکی متعددی همچون موقعیت جغرافیایی (تنگه هرمز و سواحل طولانی)، مذهب اباضیه (دوری از افراط‌گرایی و تسامح و تساهل)، ژئوپلیتیک مرز (دوپارگی قلمرو عمان و اختلافات مرزی با همسایگان)، کمبود جمعیت و ضعف نیروی نظامی، کمبود انرژی و منابع نفتی محدود، و نیاز به سرمایه‌گذاری خارجی بر سیاست خارجی عمان تأثیرگذارند. به گونه‌ای که پادشاهی عمان برای دستیابی به منافع ملی بی‌طرفی مثبت را اصلی پایدار در سیاست خارجی خود قرار داده است (نمودار ۱).



نمودار ۱

نتیجه‌گیری

روابط و واکنش سیاسی دولت‌ها، در عرصهٔ خارجی، تابعی از موقعیت ژئوپلیتیک آن‌هاست و همبستگی و هماهنگی بالایی میان ژئوپلیتیک و الگوی رفتار سیاست خارجی کشورها برقرار است. کشور عمان، به‌رغم حضور در منطقهٔ بحران‌زای خاورمیانه، سیاست خارجی متمایز و منحصر به فردی داشته است. در تحلیل سیاست خارجی عمان مشاهده می‌شود که این کشور ضمن رعایت بی‌طرفی مثبت و عدم ورود به بحران‌ها و حوادث منطقه‌ای با رعایت موازنهٔ روابط در تعاملات و به‌کارگیری مواضع اعتدالی و میانه نقش مهمی در کاهش سیاست‌های تنش‌آمیز برخی کشورها دارد. تنش‌زدایی و روابط مثبت و سازنده با همهٔ کشورهای منطقه و جهان این کشور را به یک میانجی برای حل و فصل مسائل و مشکلات منطقه تبدیل کرده است. هدف اصلی این کشور در عرصهٔ سیاست خارجی و داخلی تأمین ثبات و امنیت و بهبود وضع اقتصادی است که در بستر امنیت در منطقه و حل مسالمت‌آمیز رخدادها تأمین می‌شود. بدین ترتیب، تأمین منافع ملی سبب شده تا بی‌طرفی و تنوع ارتباطات خارجی جزو اصول سیاست خارجی عمان قرار بگیرد. بنیاد اصلی این نوع الگوی رفتاری بر پایهٔ عوامل متعدد ژئوپلیتیکی است که تاکنون از عمان تصویری از آرامش و ثبات را ترسیم کرده است.

در پاسخ به سؤال پژوهش، یافته‌ها نشان می‌دهد که ژئوپلیتیک مرز عمان با کشورهای عربستان، یمن، و به‌ویژه با امارات متحدهٔ عربی نقش بسیار مهمی در الگوی رفتاری این کشور دارد. مهم‌ترین معضل ژئوپلیتیک عمان این است که امارات متحده بین دو قسمت شمالی و جنوبی عمان جدایی انداخته و دپارگی و دو بخش بودن قلمرو عمان و فقدان راه زمینی مستقل بین سرزمین اصلی عمان و شبه‌جزیرهٔ مسندم در صورت بحران می‌تواند مانعی بر اعمال حاکمیت رژیم عمان بر این منطقه باشد. گسستگی سرزمینی موجب شده تا عمان از نظر حفظ امنیت سرزمینی، عملیات نظامی، و کنترل تنگهٔ هرمز نیازمند برقراری و گسترش رابطه با قطب‌های مخالف و موافق منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای باشد. مرز دریایی نسبتاً طولانی و پتانسیل ساحلی و بندری عمان، به‌ویژه سواحل شرقی، نیاز کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

همچون ایالات متحده، انگلیس، و چین به این سواحل و جزایر و همچنین نیاز عمان به سرمایه‌گذاری این کشورها در راستای سیاست‌های بی‌طرفانه پناهگاه امن‌تری برای عمان خواهد بود.

عمان از نظر مذهبی تلاش کرده سیاست خارجی خود را به دور از جریان‌سازی‌های مذهبی حفظ کند و در عین حال رابطه خوبی با همه کشورهای جهان عرب و اسلام داشته باشد. اباضیان عمان بیشتر بنای خود را بر تعامل با دیگر مذاهب گذاشته و از مدافعان وحدت و تقریب مسلمانان‌اند و به دنبال ارتباط با دیگر کشورها در یک رابطه مسالمت‌آمیز و متسامح بوده و در بیشتر تنش‌های فرقه‌ای و بنیادگرایی در منطقه ترجیح داده تا بی‌طرفی اتخاذ کند و خواهان راه صلح‌آمیز باشد.

بر اساس یافته‌ها، به‌رغم اختصاص بودجه زیاد در حوزه نظامی، ارتش کشور عمان بسیار ضعیف است و با وجود قدرت‌های بزرگی مانند ایران، پاکستان، و عربستان در هم‌جواری آن توان تهاجمی و بازدارندگی قابل‌توجهی ندارد. واگذاری پایگاه نظامی به قدرت‌های جهانی و به خدمت گرفتن مستشاران نظامی، موجب شده تا عمان در روابط سیاسی خود با قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نهایت احتیاط و میانه‌روی را به خرج دهد. علاوه بر آن، جمعیت خیلی اندک عمان که بیش از یک‌سوم آن را مهاجران تشکیل می‌دهند، مهم‌ترین تهدید امنیتی-اقتصادی است که بافت جمعیتی عمان را دگرگون خواهد کرد. ضعف و کمبود جمعیت موجب شده تا کارگزاران این کشور در سیاست خارجی خود جوانب احتیاط و میانه‌روی را در دستور کار قرار دهند و نهایت هم‌افزایی را با همسایگان و قدرت‌های برتر و تأثیرگذار منطقه داشته باشند.

منابع نفتی محدود و رو به اتمام و هزینه بالای استخراج آن و احتیاج عمان به گاز و همچنین پیگیری سیاست کاهش وابستگی به نفت و راه‌اندازی پروژه‌های کلان اقتصادی موجب نیازمندی عمان به کشورهای منطقه و سرمایه‌گذاری خارجی شده است. حجم سرمایه‌گذاری و وضعیت اقتصادی موجود حاکی از ثباتی است که بر اساس سیاست بی‌طرفی مثبت در طی پنج دهه گذشته به‌دست آمده است.

به‌رغم انتظار و فشار برخی قدرت‌ها به کشور عمان مبنی بر تغییر رویکرد نسبت به تحولات، انتظار نمی‌رود مقامات عمان از خط‌مشی دیرینه بی‌طرفی در سیاست خارجی دور شوند، بلکه گام‌هایی در چارچوب شرایط بحرانی برمی‌دارند تا طوفان فشارهای امریکا و منطقه را پشت سر بگذارند. پنج دهه حضور سلطان قابوس در رأس حاکمیت و فقدان مسیر طبیعی گردش نخبگان این کشور را با خلأ احتمالی جانشینی پس از قابوس مواجه خواهد کرد. مشخص نیست که جانشینان قابوس نیز به رویه تعامل و بی‌طرفی او معتقد خواهند بود و می‌توانند در برابر فشارهای سنگین کشورهای عربی برای پیوستن به جرگه آن‌ها تاب بیاورند یا خیر. با این حال، از آنجا که میانه‌روی و تعامل مثبت با همه کشورهای منطقه و جهان تاکنون نتایج و دستاوردهای مثبتی برای این کشور کوچک عربی به دنبال داشته است، به احتمال زیاد، جانشینان سلطان قابوس نیز به همین رویه پایبند بوده و آن را در عرصه سیاست خارجی ادامه خواهند داد.

منابع

۱. _____، ۱۳۹۴، پادشاهی عمان. اداره کل کشورهای آسیایی و آفریقایی وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران قابل دسترسی در: www.mop.ir/portal/file/?129721/oman-07-06-94
۲. _____، ۱۳۸۷، عمان. تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۳. _____، ۱۳۸۸، برآورد اطلاعات راهبردی شماره ۱۴ کشور عمان، تهران: معاونت اطلاعات ارتش.
۴. _____، ۱۳۹۶، سیاست خارجی عمان در قبال ایران، شورای همکاری خلیج فارس و غرب، قابل دسترسی در: www.iuvmprees.com
۵. ازغندی، علیرضا، ۱۳۸۶، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نی.
۶. آفنان، پل بون، ۱۳۷۹، شبه‌جزیره عربستان در حال حاضر، ج ۲، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، مشهد: آستان قدس رضوی.
۷. بلاکسل، مارک، ۱۳۸۹، جغرافیای سیاسی، ترجمه محمدرضا حافظ‌نیا، عطاءالله عبیدی، حسین ربیعی، و عباس احمدی، تهران: انتخاب.
۸. پروین، فرهاد و جلال‌پور، شهره، ۱۳۹۵، ایران و عمان، از ظفار تا بگرام، قم: انتشارات ابوالحسنی.
۹. پولاب، شهره، ۱۳۹۸، بنادر دقم و صلاله ویتترین عمان در نظم ژئوپلیتیک منطقه‌ای است. قابل دسترسی در: www.irdiplomacy.ir
۱۰. جعفری ولدانی، اصغر، ۱۳۸۸، چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۱. جعفری ولدانی، اصغر و جعفری ولدانی، رامین، ۱۳۹۱، تحلیلی بر ژئوپلیتیک مرزهای عمان با کشورهای هم‌جوار، پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره ۸، ش ۱، صص ۷۹-۱۱۶.
۱۲. جعفری ولدانی، اصغر و حق‌شناس کاشانی، نیلوفر، ۱۳۷۰، عوامل مؤثر بر سیاست خارجی عراق در ارتباط با اشغال کویت، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۵۳-۵۴، صص ۳۰-۳۵.
۱۳. جعفری ولدانی، اصغر، ۱۳۸۹، ژئوپلیتیک تنگه هرمز و روابط ایران و عمان، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، س ۵، ش ۳، صص ۳۵-۶۷.
۱۴. جعفری ولدانی، اصغر، ۱۳۷۳، ناپایداری مرزها در خلیج فارس. در مجموعه مقالات چهارمین همایش خلیج فارس، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۵. ربیعی، حسین، ۱۳۹۷، استراتژی دفاعی نظامی عمان، قابل دسترسی در: www.ipsc.org
۱۶. روشندل، جلیل و سیف‌زاده، حسین، ۱۳۸۲، تعارضات ساختاری در منطقه خلیج فارس، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۱۷. زارع‌زاده، اکبر، ۱۳۹۷، عمان در شرایط جدید منطقه‌ای نقش میانجی را کنار می‌گذارد، قابل دسترسی در: www.dmf.farhang.gov.ir
۱۸. ساسانیان، سعید، ۱۳۹۷، رابطه با اسرائیل، تفاوت عمان و عربستان چیست؟ قابل دسترسی در: www.tabyincenter.ir
۱۹. صفوی‌پور، محمدرضا، ۱۳۸۶، روش‌ها و منش‌های بازیگران در خلیج فارس، تهران: سایه‌روشن.
۲۰. عابدی، سجاد، ۱۳۹۸، امنیت ملی عمان و نوع همکاری سیاسی و نظامی با امریکا، قابل دسترسی در: www.ipsc.org/fa/2
۲۱. عادل، سید مرتضی، ۱۳۹۷، بررسی وضعیت جریان اباضیه در دوره معاصر، پژوهش‌های منطقه‌ای، س ۶، ش ۲۰، صص ۸۳-۱۱۶.
۲۲. عزتی، عزت‌اله، ۱۳۸۰، ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم، تهران: سمت.
۲۳. عزتی، عزت‌اله، ۱۳۹۴، جغرافیای سیاسی جهان اسلام، تهران: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ع).
۲۴. فاضلی‌نیا، نفیسه، ۱۳۸۶، ژئوپلیتیک شیعه و نگرانی غرب از انقلاب اسلامی، قم: شیعه‌شناسی.

۲۵. فلاح‌تبار، نصرالله، ۱۳۹۶، تنگه استراتژیک و ژئوپلیتیک هرمز و نقش راهبردی آن، فصل‌نامه نگارش‌های نو در جغرافیای انسانی، س ۹، ش ۲، صص ۱۹-۳۲.
۲۶. قوام، سید عبدالعلی، ۱۳۷۸، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: سمت.
۲۷. کاظمی، علی‌اصغر، ۱۳۷۰، دیپلماسی نوین در عصر دگرگونی در روابط بین‌الملل، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
۲۸. کاویانی راد، مراد و بویه، چمران، ۱۳۹۱، جایگاه مفاهیم فضای حیاتی در شکل‌گیری سیاست خارجی عراق، فصل‌نامه ژئوپلیتیک، ش ۲۵، صص ۱۱۲-۱۳۴.
۲۹. کرمی، امیر سعید و دوست‌محمدی، احمد، ۱۳۹۵، تحلیل ژئوپلیتیکی روابط ایران و عمان در قبل و بعد از انقلاب اسلامی، فصل‌نامه ژئوپلیتیک، س ۱۲، ش ۳، صص ۱۲۱-۱۵۱.
۳۰. محمدی، فاطمه، ۱۳۹۴، اختلاف‌های سرزمینی و مرزی در میان کشورهای جنوبی خلیج فارس در سال‌های ۱۹۹۵-۲۰۱۲/ ۱۳۷۴-۱۳۹۱، فصل‌نامه پژوهش در تاریخ، ش ۱۶، صص ۱۱۵-۱۳۹.
۳۱. مختاری، مجید و آدمی، علی، ۱۳۹۶، الزامات اقتصادی توسعه روابط ایران و عمان، فصل‌نامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۱، ش ۲۳، صص ۲۰۷-۲۳۱.
۳۲. مرادی، محمدرضا، ۱۳۹۷، سفر نتانیاهو به عمان و آینده استراتژی سنتی عمان، قابل دسترسی در: www.npps.ir/fa/182323
۳۳. مظاهری، محمدمهدی، ۱۳۹۵، نگاه مسقط به بحران‌های منطقه‌ای و بازیگران خارجی، قابل دسترسی در: www.iiwfs.com
۳۴. میررضوی، فیروزه و احمدی لفورکی، بهزاد، ۱۳۸۳، راهنمای منطقه و کشورهای حوزه خلیج فارس، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۳۵. میرحیدر، دره، ۱۳۷۵، مبانی جغرافیای سیاسی، چ ۴، تهران: سمت.
۳۶. میرحیدر، دره، ۱۳۸۰، مبانی جغرافیای سیاسی، چ ۸، تهران: سمت.
۳۷. میرگلوی بیات، میرجواد، ۱۳۹۷، رابطه عمان با اسرائیل، رقابت با عربستان یا دوری از ایران؟ قابل دسترسی در: www.irdiplomacy.ir
۳۸. مینایی، حسین، ۱۳۹۴، وضعیت، جایگاه، و قدرت نظامی عمان، قابل دسترسی در: www.iiwfs.com
۳۹. نطاق پورنوری، مهدی؛ بشارتی، محمدرضا و رفیعی، احسان، ۱۳۹۶، بررسی عوامل مؤثر همگرایی ایران و عمان و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مجله سیاست دفاعی، ش ۹۸، صص ۶۳-۸۲.
۴۰. نودری، فضل‌اله، ۱۳۹۵، تأثیر علایق ژئوپلیتیک بازیگران حوزه دریای عمان بر تدوین راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران، فصل‌نامه سیاست دفاعی، س ۲۴، ش ۹۵، صص ۳۵-۷۲.
۴۱. نودری، فضل‌الله، ۱۳۹۱، تعیین عوامل ژئوپلیتیک حوزه دریای عمان و تأثیر آن بر تدوین راهبرد دفاعی-امنیتی جمهوری اسلامی ایران، رساله دکتری علوم دفاعی راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران.
۴۲. یزدان‌فام، محمود، ۱۳۸۷، مقدمه‌ای بر تحلیل سیاست خارجی، فصل‌نامه مطالعات راهبردی، ش ۴۰، صص ۲۴۷-۲۷۶.
43. -----, 2008, *Oman*. State Department Office of Political and International Studies. Tehran. (in Persian)
44. -----, 2015, *The Kingdom of Oman*. Office of the Asian and African Countries Ministry of Oil of the Islamic Republic of Iran. Available at: www.mop.ir/portal/life/?129721/oman-07-06-94 (in Persian)
45. -----, 2009, *Estimating Strategic Information*, No. 14 Oman country. Army Intelligence deputy. Tehran. (in Persian)

46. -----, 2017, *Oman's foreign policy towards Iran, the persian Gulf Cooperation Council and the West*. available at: www.iuvmmpres.com. (in Persian)
47. Abbenhuis, Maartje, 2014, *An Age of Neutrals: Great power Politics 1815-1914*. London: Cambridge university press.
48. Abedi, S., 2019, *Oman's National Security and the Type of Political and Military Cooperation with the United States*. available at: www.ipsc.org/fa2. (in Persian)
49. Adeli, M., 2018, *Investigating the Status of the Contemporary ibadiyya process*. *Regional Studies*, Vol. 6, No. 20, PP. 83-116. (in Persian)
50. Anfan, P B., 2000, *The present day Arabian Peninsula*. Vol. 2, Translated by Abolhassan Sarv Moghaddam. Astan Quds Razavi publication, Mashhad. (in Persian)
51. Azghandi, A., 2007, *Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran*. Ney Publications. Tehran. (in Persian)
52. Bassett, Bergen, 2012, *Factors in fluencing Swedens changing stance on Neutrality*, Thesis for the Degree of master of Art in european union studies in the Graduate college of the university of Illinois urbana-champaign.
53. Blacksell, M., 2010, *Political Geography*. First Edition, Translated by Hafez Nia M, Abdi A, Rabiei H and ahmadi A.entekhab Publications, Tehran. (in Persian)
54. Coffey, Luke, 2018, Washington should not forget oman. *The national interest* july, 29.
55. Cofiero, Giorgio, 2014, *Oman's uncertain future*. *al-monitor*. Octobr 21, available at: <http://www.al-monitor.com>.
56. Crabbvcecil; Antizzo Glenn J. and SarediddinesLeila, 2000, *Congrees and the foreign policy process: modes of Legislative behavior(Political traditions in foreign policy series)*. Pulishers: Louisiana state university press.
57. Dreyer, John and Jesse, Neal G., 2014, Swiss Neutrality examined: model exception or both, *Journal of military and strategic studies*, Vol. 15, ISSUE 3.16-EIU(1992)Contry report oman,yaman. No 2.
58. EIU, ۱۹۸۳, *Quarterly economic review of Bahrain, Qatar, Oman the Yemens* AnnSupplement.
59. Ezzati, E., 2001, *Geopolitics in the 21st Century*. Samt publications, Tehran. (in Persian)
60. Ezzati, E., 2015, *The Political Geography of the Islamic World*. AL-MUSTAFA International center for and Publication, Tehran. (in Persian)
61. Fallah Tabar, N., 2017, *The Strategic and Geopolitical Strait of Hormuz and Its Strategic Role*. *Journal of new Attitudes in human geography*, Vol. 9, No. 2, PP. 19-23. (in Persian)
62. Fazeli Nia, N., 2007, *Shiite Geopolitics and Western Concerns about the Islamic Revolution*. First Edition, Shia studies Publications, Qom. (in Persian)
63. Foreign direct investment (FDI) in oman. available at: www.nordeatrad.com Latest update: July 2019.
64. www.international.gc.ca/cil/country_insights-apercus_pays/map-carte_om.
65. Friedman, Norman, 1988, *The us maritime strategy*. Janes information Group. London.
66. Ghavam, S. A., 2008, *Principles of Foreign Policy and International Politics*. SAMT publications, Tehran. (in Persian)
67. Hetmanchuk, Natallia, 2012, *Swedish foreign Policy: neutrality vs.security*, MA thesis of government Department Suffolk university Boston.
68. Jafari Valadani, A. and Jafari Valadani, R., 2012, *An Analysis of the Ongoing Political Borders of Oman's Borders with Neighboring Countries*. *Political Science Research*. Vol. 8, No 1, PP. 79-116. (in Persian)
69. Jafari Valadani, A. and Haghshenas Kashani, N., 1991, factors affecting iragi foreign Policy in relation to the occupation of Kuwait. *Political and economic Ettela'at*. Vol. 53-54, PP. 30-35. (in Persian)
70. Jafari Valadani, A., 2009, *Challenges and Conflicts in the Middle East*. Institute for Strategic Studies.tehran. (in Persian)
71. Jafari Valadani, A., 2010, Geopolitics of the Strait of Hormuz and Iran-Oman Relations. *Journal of Political Science*, Fifth Year, No. 3, PP. 35-67.
72. Jafari Valadani, A., 1995, *Border instability in the Persian Gulf*. In the *Proceedings of the Fourth Persian Gulf Conference*. Tehran: Office of Political and International Studies.

73. Jones, Jeremy and Rideout, Nicholas Peter, 2012, *Oman*, culture and Diplomacy edinburg university press
74. Karami, A. S. and Doost Mohammadi, A., 2016, *Geopolitical Analysis of Iran-Oman Relations Before and After the Islamic Revolution. Journal of Geopolitics*, Twelfth Year, No. 3, PP.121-151. (in Persian)
75. Kaviani Rad, M. and Boyeh, Ch., 2012, *The Position of Critical Space Concepts in the Formation of Iraqi Foreign Policy. Geopolitical Quarterly*, No. 25, Eighth Year, PP. 12-134. (in Persian)
76. Kazemi, A. A., 1991, *New Diplomacy in the Age of transformation in international Relations farhang eslami publications*, Tehran (in Persian)
77. Lefebvre Jeffrey, A., 2010, Oman's foreign Policy in the twenty-first century. *Middle east policy council*, Vol. xvII, No. 1.
78. Mazaheri, M. M., 2016, *Muscat's look at regional crises and foreign actors*. available at:www.iiwfs.com. (in Persian)
79. Minaei, H., 2015, *Oman military status, position and military power*. available at:www.iiwfs.com. (in Persian)
80. Mir Heydar, D., 1996, *The foundations of Political Geography*. 4th edition, SAMT Publications, publications.tehran. (in Persian)
81. Mir Heydar, D., 2000, *The foundations of Political Geography*. edition 8, SAMT, Tehran. (in Persian)
82. Mir Razavi, F. and Mahmoudi Lafooraki, B., 2004, *Guide to the Persian Gulf Region and Countries*. Abrar moaser Publications. tehran. (in Persian)
83. Mirgalooy Bayat, M., 2018, *Oman's relationship with Israel, competition with Saudi Arabia or avoiding Iran*.available at: www.irdiplomacy.ir. (in Persian)
84. Mohammadi, F., 2015, *Territorial and Border Disputes Among the Southern Persian Gulf States from 1995 to 2012. Journal of Research in History*, No. 16, PP. 115-139. (in Persian)
85. Mokhtari, M. and Adamie, A., 2017, *The Economic Requirements of Developing Iran-Oman Relations. International Relations Research Quarterly*, Vol. 1, No. 23, PP. 207-231. (in Persian)
86. Moradi, M. R., 2015, *Netanyahu's Journey to Oman and the Future of Oman's Traditional Strategy*. available at: www.npps.ir/fa/182323. (in Persian)
87. Notagh Pur Nouri, M.; Basharati, M. and Rafi'I, E., 2017, *Investigating the Factors Affecting Iran and Oman and Its Impact on National Security of the Islamic Republic of Iran Defense Policy Journal*, No. 98, PP. 63-82. (in Persian)
88. Nozari, F., 2012, *Determination the Geopolitical Factors of the Oman Sea area and Its Impact on the compile of Iran's Security-Defense Strategy*. Doctoral Thesis, Department of Defense-Strategic Sciences, supreme National Defense University. Tehran. (in Persian)
89. Nozari, F., 2016, *The Impact of Geopolitical Interests of the Oman Sea Actors on the compile of Iran's Defense Strategy. Journal of Defense Policy*, Twenty-Fourth Year, No. 95, PP. 35-72. (in Persian)
90. Nyrop, Richard, 1985, *Persian Gulf states*, country studies. Washington D.C.
91. Oman population, 2019, Available at: www.worldpopulationreview.com/countries/oman.
92. Panchaud, Veronique, 2009, *Neutrality of Switzerland: a Brief introduction*. Available at: www.reseachgat.net/publication/238769172.
93. Parvin, F. and Jalalpour, SH., 2016, *Iran nd Oman, from Zafar to barjam(jcpoa)*. Abolhassani Publications, Qom. (in Persian)
94. Pulab, SH., 2019, *Oman's duqm and Salaleh ports showcase Oman's regional geopolitical order*. Available at:www.irdiplomacy.ir. (in Persian)
95. Rabiee, H., 2018, *Oman Military Defense Strategy*. Available at: www.ipsc.org. (in Persian)
96. Rolenc, Jan Martin, 2008, *The Relevance of Neutrality in contemporary international Relations working Papers fakulty mezinarnodnich vztahu*, Vol. II.
97. Roshandel, J. and Seifzadeh, H., 2003, *Structural Conflicts in the Persian Gulf Region*. Center for Middle East Strategic Studies.Tehran. (in Persian)
98. Safavi Pour, M. R., 2007, *Methods and Manners of actors in the Persian Gulf*. First Edition, SAYE Roshan Publications, Tehran. (in Persian)

99. Sasanian, S., 2018, *Relationship with Israel, what is the difference between Oman and Saudi Arabia*. available at: www.tabyincenter.ir. (in Persian)
100. Yazdan Fam, M., 2008, *Introduction to Foreign Policy Analysis*. *Strategic Studies Quarterly*, No. 40, PP. 247-276. (in Persian)
101. Zare Zadeh, A., 2018, *Oman in the new conditions of the region, withdraws as a mediator*. available at: www.dmf.farhang.gov.ir. (in Persian)